

روزنامه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی
روزنامه آفتاب
روزنامه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی
روزنامه آفتاب

اذان ظهر ۱۳:۰۸
اذان مغرب ۱۹:۴۶
اذان صبح فردا ۵:۲۱
طلوع آفتاب فردا ۶:۴۶

نشانی الکترونیکی روزنامه:
aftab.yz@gmail.com

توصیه می شود در خصوص برخی آگاهی ها تحقیق لازم صورت گیرد

سامانه پیامک آفتاب یزد: ۳۰۰۱۳۱۴۲۷



حضرت علی (ع): چه نیکو است گذشت با داشتن قدرت و توانایی بر انتقام.

فلش بک سیاسی

روزنامه آفتاب یزد در نظر دارد هر روز در این ستون بخشی از خاطرات سیاستمداران برجسته کشور را به چاپ برساند. این سلسله خاطرات را با احمد توکلی از فعالان سیاسی با سابقه اصولگرا شروع می کنیم.

دوستی با پسر رئیس دبیرستان

آن روز یکی از بچه هایی که انتهایی کلاس نشسته بود و انشایم را گوش می کرد، در زنگ تفریح به من گفت که «این رفتارهای تو نوعی خامی است، قرار نیست که تو در سن جوانی به دست ساواک بیفتی، اگر فکر کمی کنی باید کاری انجام شود، این کارهایی که تو می کنی به هیچ دردی نمی خورد. این که انشا بنویسی و همه عقایدت را بگویی و اعلام کنی که اگر کشته شوی، اشکالی ندارد، به جای خود، ولی اگر آدم کشته شوی باید مرگ او فایده ای داشته باشد.» این دانش آموز با حرف هایش مرا تحت تاثیر قرار داد.



حدود دوسالگی احمد توکلی

معرفی کتاب

«و این حرمان مانایی ندارد» منتشر شد

کتاب «و این حرمان مانایی ندارد» نوشته امیرحسین مصلی پس از حدود یک سال و نیم بررسی در وزارت ارشاد سرانجام با اخذ مجوز از این وزارتخانه توسط انتشارات رسانش نوین به چاپ رسید. به گزارش ایلنا، این کتاب شامل مجموعه یادداشت ها، مقالات و تحلیل های مطبوعاتی «امیرحسین مصلی» است که تماماً طی سال های ۸۹ تا ۹۳ در نشریات مختلف به قلم این روزنامه نگار به چاپ رسیده. مبنای این کتاب بر پایه آگاهی رسانی در جامعه همچنین نقد اصحاب قدرت در دوره ای پر از اوج و حسیض استوار است تا گواهی باشد بر رسالت حرفه روزنامه نگاری در آن ایام. کتاب فوق با مقدمه ای از «جهانگیر هدایت» در قالب چهارفصل با عناوین: «هستی سحر»، «آگاهی رسانی» و دیگر «هیج» در «مسیر بیم و امید» و «صبر، صبر و صبر» با قیمت ۲۳ هزار تومان در ۴۵۰ صفحه توسط انتشارات رسانش منتشر شده و «ترگس موسوی خامنه» نیز طراحی جلد این کتاب را برعهده داشته است. در پشت جلد این کتاب به نقل از یکی از یادداشت های مجموعه پیش رو آمده است: «... شب یلدا شب چله شستن است تا سحر، شب دهرم نشینی در کنار عزیزان در راستای برنناختن ظلمت و تنگ نظری، شبی که تقال حضرت حافظ شب چراغ آگاهی می شود تا رهایی از سوز سرمای خزان، شبی که هرچند بلند است اما اختران محصور در سیاهی آسمان چشمک زنان شادباش صبح را سر می دهند با دستخوش امید به نمک دمیدن نور سپیده و رخت بستن سیاه ...»

اگر شخصی مزاحم بود، فی الفور به ترفندی مزاحم را ببیچان دقایق را غنیمت دان و زنهار که از این لحظه کام خویش بستان

مکن تعجیل در اتمام دیدار به دلخواهت بمان در حد امکان چو دیدی میزبان را نارضاست به روی خود نیسوار، هر بلیمبان



از کفشدوزک بهتر، کفاش های چینی اند!
علی اکبر مجدرداد

نمایان



قطع بی رویه درختان

دلنویشته

چرا آنقدر خشنی؟

امیرحسین ذاکری
روزنامه نگار

روزنامه نگار باید عیب دولت بگوید معایب الرجال را بگوید وگرنه گر سکوت کند روزنامه نگار نیست یا اگر مجیز گوئی کند وکیل الدوله است نه روزنامه نگار اما اصولاً بر پیشانی برخی مهر دلخوری و تند خوبی حک شده حتی در اولین روز کاری در سال نو هم شروع می کند به ضد حال زدن و یقه توافقی و برجام را می گیرد البته حق دارد چون گرانی هم پاچه و یقه مردم را گرفته است. از اول صبح که روزنامه روی کیوسک ها می آید روزنامه اش می شود کیهان و کیهکسانی از غصه و برجامی که آتش دهن سوزی نبود! شروع می کند آب پاکی روی دل زود باوران و ذوق زدگان توافقی و رابطه با غرب ریختن! عنوان می کند برجام آتش دهن سوزی نبود اسب زور و دایم حتی یک چهار پای کوچکتر از اسب از همان ها که قدیم برای حمل نخاله از آن استفاده می شد هم تحویل گرفتیم! می نویسد چرخ سانتی فیوژها تجرید چرخ معیشت مردم هم نچرخید چرخ آن در گل مانده و یک قهرمان مثل قهرمان داستان بنویان یعنی ژان والژان می خواهد که چرخ (چرخ معیشت مردم بنیوا) را از لای گل در بیاورد. اما قرار نیست روزنامه نگاری فقط افشا نامه و رسوا نامه باشد یا به محل تولید غصه نامه هم تبدیل شود. مثلاً می نویسد: در مخیله هیچ کس نمی گنجید تیغ یا اورانیوم غنی شده صادر کنیم کیک زرد تحویل بگیریم در حالی که کیک زرد از تیغ کم ارزش تر است لذا سکه طلا دادیم مس گرفتیم. سخن ایشان مرا را یاد این افتادخت که شب عید طلا فروخیم تا خرج هزینه های متفرقه در شب عید کنیم و به جای طلا بدلیجات جایگزین طلای فروخته شده کردیم با یاد آوری تعویض مس به جای طلا غصه هایمان صد چندان شد. البته مشکلات وجود دارد نگارنده خود

انشاکرام

به زمونی تلویزیونی داشتیم

یوسف خاکیان
خبرنگار فرهنگی

یادش بخیر اون قدیما یه وسیله ای بود به اسم تلویزیون که مردم شب که خسته میومدن خونه روشنش می کردن و می نشستن پاش و با نگاه کردن بهش خستگی شونو در می کردن. چند ماه مونده به عید هم تلویزیونیا بند کفشاشونو سفت می کردن و به تکاپو می افتادن و اسه اینکه ۴ تا برنامه شاد و مفرح و اسه ملت درست کنن تا مردم شب عیدی موقع آجیل خوردن بشینن پاشو تماشا کنن. یادش بخیر خدابایمزر تلویزیون چند تا شبکه بیشتر نداشت اما همین چند تا شبکه هیچ سریال و فیلم تکراری رو نشون نمی دادن. اما حالا شب که صبح می شه تلویزیونیا می دون سمت اتاق آرشینو تا خوراک تصویری اون روز مردم رو از اونجا تامین کنن و نشون مردم بدن. خدا زیاد کنه اندازه اش هم کم نیست. سه برابر



مکت

دولت دلواپسان و منافع ملی

مهدی مرزبان



کشورمان همچنان به همان سخنرانی ها ادامه می دهد.
۲. با روی کار آمدن دولت تدبیر و امید و معرفی دکتر ظریف به عنوان رئیس دستگاه دیپلماتی کشورمان مذاکرات هسته ای وارد مرحله جدیدی شد، با آغاز مذاکرات هسته ای در دولت دکتر روحانی برای اولین بار طرفین بدون واسطه بر سر یک میز برای رسیدن به یک توافق نشستند و بعد از دو سال مذاکره مداوم و طاقت فرسا به توافقی با نام برنامه جامع اقدام مشترک دست پیدا کردند که در تاریخ سازمان ملل بی نظیر بوده که کشوری در مناقشه هسته ای وارد فصل هفت شود و با توافقی و مذاکرات به آن پایان دهد در این زمان افکار عمومی جهان نسبت به ایران تغییر کرد و نگاه مثبتی به کشورمان پیدا کردند. نکته در همین روند مذاکره هسته ای است اگر در دولت اصولگرایان پرونده هسته ای ایران از فصل ششم عبور نمی کرد و وارد فصل هفتم نمی شد و تحریم های ظالمانه علیه ایران اتفاق نمی افتاد دیگر مذاکرات هسته ای این قدر سخت و طاقت فرسا بود؟ اگر در آن زمان منافع ملی در نظر گرفته می شد آیا این همه هزینه به کشور تحمیل می شد؟

نگاه

چرا درس نمی خوانیم؟

محمد ماکویی
روزنامه نگار



پيامکی از یکی از دوستان دشت کردم که بیانگر «ما در کشورمان تحصیل کرده های زیادی داریم» بود به همین مناسبت برای او نوشتم که اگر دارا بودن مدرک منبسطه ای از تحصیل کردگی باشد حق با شماست اما بعد می دانم در خارج از مرزهای جغرافیایی کشور ما افرادی که با فراغت از تحصیل «آخیش اراحت شدیم» می گویند تحصیل کرده بگیرند! نباید کتمان کرد که تحصیلات بی حد در درد خواستگاری بخورد و با ابزار امرار معاش شناخته شود و توسط آن بشود سری توی سرها در آورد این فایده را دارد که کارها را بهتر و تخصصی تر سر و سامان می دهد و باعث می گردد مردم شایسته تر از آن زمان که در میان غیر تحصیل کرده ها به سر می برند به نان و نوایی رسیده و به گذران حیات و لذت بردن از مواهب آن مشغول شوند! همه می دانیم که در بازار کار کشورمان چنین اتفاقی در عمل نمی افتد و تحصیل کرده هایی که سر از بازار در می آورند تازه باید شروع به کار آموزشی کرده و انجام وظیفه را بپیمایند! این در حالی است که با این وجود هم کمتر فارغ التحصیلی که «انصافاً» کارش را بلد است» به پست مشتری ها می خورد و اغلب تحصیل کرده ها به عنوان «معلوم نیست در دانشگاه چه می کرده!» معرف حضور دیگران می گردند! متأسفانه باید پذیرفت که در جامعه ما «درس چه ربطی به کار دارد؟» ایده مشترک اولیا و مربیان و دانش آموزان و دانشجویان است و برای همین است که خیلی ها به درستی پاسخ سوال «چرا درس می خوانیم؟» را نمی دانند! از سوی دیگر درس خواندن فقط در هنگام پر کردن پرسشنامه به چشم «کاری» نگریسته می شود که سختی های خاص خودش را دارد و در سانسور موار یا وسیله ای است که سر محصل و دانشجویان را از سر پدر و مادر کم می کند و با ابزار کار معلم و استاد است که حکم پول خورد و پدال و فرمان را بر او می گذارد و این دو بزرگوار به علت وجود «آن» نان در می آورند! اینکه چرا در کشورها ایستاد و پیشرفته تحصیل را کار به حساب می آورند به این خاطر است که به دانش آموز و دانشجوی پیام دهند که همانطور

